

## آیا واقعاً صدای کبری بوت خانم ها، مردها را تحریک میکند



باز هم در مورد زن گفته میشود . در مورد زن که نه تنها موی ، روی و حرف زدندش به صدای بلند مرد ها را بی اراده میسازد بلکه حتی صدای کبری بوتش هم تحریک آمیز است. به همین دلیل هم است که تمام مراجع چه قانونگذار ، مجری و حراست از قانون در افغانستان در پی آنند که ساحه زنده گی را برایش تنگ تر سازند تا دیگر صدای پایش بلند نشود و مرد ها را بی خود نسازد . چه عدالتی ، برای اینکه مرد ها بی اراده نشوند زن ها باید از محدوده خانه بیرون نیایند ، با صدای بلند حرف نزنند ، موی و روی خود را زیر چادر و یا چادری پنهان کنند و به مرد ها و عدالت مردانه تن دهند .

آیا واقعاً مرد ها تا این حد سست ، ضعیف النفس و بی اراده هستند که حتی با صدای کبری بوت خانم ها تحریک شده و کنترل خود را از دست می دهند؟ آیا عادلانه است بخاطر که مرد ها نمیتوانند چشم ، دهان و نفس خود را کنترل کنند و با دیدن یک زن بی خود و بی مجال میشوند ، زن ها را در قفس انداخت ؟

چندی قبل شورای علما و روحانیون؟؟ با نشر فتوای مبنی بر فرغ بودن زن و اصل بودن مرد ، تاکید به عمل آورد که نطقان و گوینده گان زن در تلویزیون ها باید سر و موی خود را بپوشانند . جالب این است که در کشور یکه هنوز خون میریزد و دود باروت فضای آنرا الوده ساخته و هزاران پرابلم اجتماعی - اقتصادی دامنگیر مردم و جامعه است ، این شورای نام نهاد به جای تلاش و جستجو راه های حل به این پرابلم ها ، غیر مسوولانه و خلاف وجدان انسانی در فکر سر و روی و موی زن است . تا وقتیکه ما خود سست عنصر ، بی اراده و ضعیف النفس نباشیم هیچ گاه سر و روی و موی زن و یا صدای کبری بوتش ما را تحریک نمیکند . این فتوا نوعی از بی حرمتی و بی عزتی برای آنده

از مرد ها است که صادق اند و پاک و اراده خود و نفس خود را داشته و غرایض و احساسات خود را در کنترل دارند .

تازه ترین گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر حاکی از آن است که فرار زنان و دختران از خشونت ها در محیط خانواده جرم پنداشته میشود . و همین اکنون از جمع 400 زن که در توقیف اند ، تقریباً نصف شان متهم به جرایم اخلاقی هستند . در گزارش آمده است که بر اساس قوانین افغانستان فرار از منزل جرم نیست ، ولی قوه قضاییه کشور بنابر دلایل غیر موجه فرار از منزل را جرم دانسته و زنانی را که از خشونت های فامیلی فرار می کنند ، بزندان می اندازد .

خانه های امن برای زنان که از منزل فرار می کنند ، در کشور ما پدیده ای کاملاً جدید بوده که در ظرف ده سال گذشته توانسته یک تعداد زنان و دختران را در خود پناه داده و امکانات نسبی حمایت از آنها را میاثر سازد . تا کنون این خانه ها یگانه محل امن برای زنان و دختران که مجبور به ترک خانه و خانواده میشوند ، بوده و شاید هم رفته رفته به وسیله فشار جهت جلوگیری و اجتناب از خشونت در برابر آنها تبدیل گردد . به گزارش سازمان دیده بان حقوق بشر حکومت و پارلمان افغانستان مخالف ایجاد خانه های امن برای زنان بوده و آنرا خلاف شریعت اسلامی میدانند . هر چند دستگاه مفسد دولتی تلاش به عمل آورد، زیر نام جلوگیری از فساد اخلاقی در خانه های امن ، این مراکز را زیر اداره و کنترل خود آورده و با گرفتن این امکانات از زنان باز هم بالای آنها فشار وارد نماید تا خشونت های خانواده گی را تحمل کرده تن به فرار ندهند .

تصویب قانون منع خشونت علیه زنان در سال 2009 نه تنها نه توانست مانع خشونت و بدرفتاری خانواده ها گردد بلکه بغض و کینه مقامات قضایی و پولیس را در برابر زنان برانگیخت .

سطح پایین تحصیل ، مناسبات جامعه مردسالار ، ترویج اسلام افراطی و درک نادرست از موقعیت و موقف زنان در میان رده های پولیس و قوه قضاییه باعث گردیده که زنان و دختران که از بدرفتاری خانواده ها فرار کرده و چشم امید بدولت و مراجع حراست از قانون دوخته اند ، به بند وزندان تهدید گردیده و مجبور ساخته شده اند که دوباره به خانه ای که از آن فرار کرده اند ، برگردند .

جامعه ما به زنان چه در خانه و سرمزرعه ، در دفتر و دیوان ، در فابریکه و کارگاه، در موسسات آموزشی و تحقیقاتی ، خلاصه در تمام شوون زنده گی نیاز دارد . استفاده معقول و مناسب از فهم و دانش زنان ، میاثر ساختن شرایط و امکانات رشد مادی و معنوی شان در پیشرفت و ارتقای جامعه نقش به سزا دارد . تا زمانیکه زن نتواند و یا مجال نیابد مانند مرد نقش خود را در اعمار و انکشاف جامعه اجرا و عملی نماید ، اجتماع سالم بوجود نیامده و عدالت اجتماعی بر قرار نمیشود . به این ترتیب در جوامع که عدالت نباشد ، صلح به مفهوم واقعی کلمه اسقرار نیافته و کشمکش ها میان اقشار مختلف به نحوی ادامه یافته و روان جامعه را مغشوش میسازد .

پایان